

302-218  
K.F.-FM

218

SAFE

Case No. 302

Date of filing: 14 NOV 85

\*\* AWARD - Type of Award \_\_\_\_\_

- Date of Award \_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* DECISION - Date of Decision \_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* CONCURRING OPINION of Charles Brower in part

- Date \_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_ pages in English 6 pages in Farsi

\*\* SEPARATE OPINION of \_\_\_\_\_

- Date \_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* DISSENTING OPINION of Charles Brower in part

- Date \_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_ pages in English 6 pages in Farsi

\*\* OTHER; Nature of document: \_\_\_\_\_

- Date \_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL

CONCURRING AND DISSENTING OPINION  
OF CHARLES N. BROWER

Case No. 302  
Chamber Three  
AWARD NO. 196-302-3

DUPLICATE ORIGINAL  
نسخه برابر اصل

پرونده شماره ۳۰۲  
شعبه سه  
حکم شماره ۳-۳۰۲-۱۹۶

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL  
دادگاه داوری دعوی ایران - ایالات متحدہ  
ثبت شد - FILED  
Date 14 NOV 1985 تاریخ ۱۳۶۴ / ۸ / ۲۳  
No. 302 شماره

اینترنشنال تکنیکال پراداکتس کورپوریشن و شرکت فرعی تماما " متعلق به آن ، آی تی پی اکسپورت کورپوریشن ، خواهانها ،

- و -

دولت جمهوری اسلامی ایران و سازمانهای تابعه آن نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران و وزارت دفاع ملی و کالتا " از جانب سازمان هواپیمائی کشوری ، خوانندگان .

English version Filed on 28 OCT 1985  
نسخه انگلیسی در تاریخ ۱۳۶۴ / ۸ / ۶ ثبت شده است.

نظر موافق و مخالف چارلز ان. براوئر

من با این حکم بحز قسمتی که در آن تکلیف ادعای مربوط به ارزش ساختمان خواهانها در تهران تعیین گردیده است ، موافقت دارم . در عین حال که از موانع موجود در مسئول شناختن دولت ایران بخاطر سلب مالکیت آگاهی دارم معتقدم که بانک تجارت موفق نشده است وظیفه خود را انجام داده و دیوان را متقاعد سازد که وارث قانونی اموال غیر منقول خواهانها میباشد . لذا اگر من اختیار داشتم ، بانک تجارت را معادل ارزش ساختمانها

(۱) بدهکار خواهانها می‌شناختم و ارزش آنها را مبلغ ۴۴۵،۳۵۹ دلار معین می‌کردم.

### اول

سوابق موجود نشان می‌دهد که "فروش" که بانک تجارت ترتیب داده به احتمال فراوان "اجباری" و فاقد اثر بوده باشد. رجوع شود به:

Vagts, "Coercion and Foreign Investment Rearrangements,"  
72 Am. J. Int'l L. 17 (1978)

Gowan & Copeland (United States v. Venezuela), 4 Moore  
International Arbitrations 3354, 3357 (1885).

حالیکه بانک تجارت قاطعانه اظهار می‌کند که آقای عطار از جانب خواهانها با فروش موافقت کرده، ولی رئیس و ذیحساب سابق شرکت خواهانها هر دو به قید سوگند این اظهار را تکذیب نموده‌اند. در واقع ادله و مدارک خود بانک تجارت موضع آن را دستخوش شک و تردید فراوان می‌نماید. بانک تجارت هیچگاه قرارداد فروش واقعی ارائه نداده است. نامه مورخه ۲۳ سپتامبر ۱۹۷۹ (۵۸/۷/۱) آقای عطار که خوانده فوق در تایید فروش ادعائی خود بدان استناد می‌کند، بموجب دستخط شخص آقای عطار، اشاره به "درخواست بانک" می‌نماید (خط تاءکید اضافه شده است). در این مورد بحثی نیست که آقای عطار که یک نفر ایرانی است از آن پس‌ایران را ترک کرده و همچنان در خارج بسر می‌برد. صورت مجلسی که ادعا می‌شود مقارن با اعمال تصرف از طرف بانک تجارت وجود داشته هیچگاه ارائه نگردیده است. همچنین شایان توجه است، که قیمت ادعائی فروش، یعنی مبلغ ۲۱،۲۰۰،۰۰۰ ریال، کمتر از نصف قیمتی بوده که کمی بیش از یکسال قبل از آن ارزیابی شده بود. (۴۸،۰۰۰،۰۰۰ ریال). رجوع شود به واگتس، در فوق، شماره ۱۸ و متن ضمیمه آن. تحت چنین شرایطی، تصور بانک تجارت در ارائه مدارک مبتنی بر شهادت یا ادله مستند دیگری توضیح این تصور، در جایی که عهده‌دار اثبات مشروعیت تصاحب ساختمان است، (رجوع شود به ماده ۲۴ (۱) قواعد دیوان) و مدارک مربوطه را در اختیار دارد، (رجوع شود: به

---

(۱) معتقدم که بانک تجارت حقا "خواننده دعوی حاضر است زیرا متعاقبا قامة بموقع ادعای مزبور علیه دولت ایران، بانک تجارت اقدام به تسلیم پاسخ نموده و از آن پس خواهانها و بانک دعوی فیما بین را تعقیب کرده‌اند.

D. Sandifer, Evidence Before International Tribunals

154-147 (rev. ed 1975) ( و همچنین پرونده‌های مذکوره در آن )، بسه

دیوان حق می‌داد که علیه بانک راء ی صادر نماید.

کوشش دیر هنگام بانک تجارت روز قبل از جلسه استماع در تغییر موضع خود و استناد، به سلب حق فک رهن از راهن واجد اهمیت است، و نشان می‌دهد که بانک تجارت ضعف موضع خود را درک می‌کند. مبنای فوق نیز بعنوان اساس مستقلی برای انتقال قانونی مورد ادعا سوء ظن ایجاد می‌نماید. تا مدت کوتاهی قبل از جلسه استماع، بانک پیوسته ادعا می‌کرد که از دادستان انقلاب درخواست کرده بود که متعاقب "فروش" تشریفات لازم را بمنظور تکمیل انتقال مالکیت انجام دهد. در تاریخ ۲ ژوئیه ۱۹۸۲ (۶۱/۴/۱۱) بانک در دادگاه اعلام نمود که "معامله اکنون در شرف انجام است"، یعنی در انتظار امضای دادستان انقلاب می‌باشد، با اینکه بیش از شش ماه از تاریخ انتشار آگهی "اجرائیه" در نوامبر ۱۹۸۱ (۶۰/۸/۱۸) گذشته بود بدون اینکه تقاضای حراج دریافت شده باشد. لذا چنانچه بانک حقیقتاً "قصد استناد به سلب حق فک رهن داشت، می‌توانست انتظار داشته باشد که انتقال مالکیت در مدتی کوتاه انجام پذیرد بدون آنکه بانک ناچار باشد "مازاد وجه حاصل"، یعنی تفاوت بین قیمت "فروش" و وام رهنی را پرداخت نماید. جالب توجه است، که بانک تجارت هیچوقت صریحاً "اظهار نداشته که برخلاف انتظارش دادستان انقلاب اسناد انتقال را امضاء نکرده است. تاء خیرات طولانی و بدون ذکر دلیل در جریانات ضبط<sup>(۲)</sup> ضمناً" نشان می‌دهد که تاء خیرات فوق بجای آنکه مبنای صحیحی برای، تصرف، ساختمان توسط بانک باشد، بنحوی دیر هنگام بعنوان کوششی جهت خارج نمودن موضوع از صلاحیت دیوان

---

(۲) یکسال از تاریخ انعقاد قرارداد ادعائی فروش یعنی سپتامبر ۱۹۷۹ (شهریور ۵۸) گذشته بود که اجرائیه مورخ ۲ سپتامبر ۱۹۸۰ (۱۳۵۹/۶/۱۱) صادر شد، متجاوز از ۱۴ ماه بعد از آن یعنی در ۹ نوامبر ۱۹۸۱ (۶۰/۸/۱۸) بود که آگهی اجرائیه انتشار یافت، و بعد از انقضاء هردو دوره شش ماهه برای تقاضای حراج و مهلت هشت ماهه برای پرداخت، بترتیب در ماههای مه و جولای ۱۹۸۲ (اردیبهشت و تیر ۱۳۶۱)) بیش از یکسال گذشته بود که عمل انتقال بسا سند مورخ ۷ سپتامبر ۱۹۸۳ (۶۲/۶/۱۶) با تمام رسید.

مورد استفاده قرار گرفته است (۳). بانک می‌بایستی احساس کرده باشد که عملاً مالک ساختمان است، لذا بعید بود اجازه دهد که برای مدت چند سال بهره قرارداد رهن با نرخ ۱۲٪ که راء سا" دریافت نمی‌کرد و هرگز امکان دریافت آن وجود نداشت رویهم انباشته شود، بدون اینکه طلب خود را از محل وثیقه تصفیه نماید.

ایـــــــــــــــــن واقعیت نیز مرا تحت تاءثیر قرار داد که کل مبلغ ریالی مذکور در سند انتقال مورخ ۷ سپتامبر ۱۹۸۳ (۶۲/۶/۱۶) یعنی ۲۱,۷۴۹,۰۰۶۳ احتمالاً بیشتر منعکس‌کننده قیمت ادعائی فروش (۲۱,۲۰۰,۰۰۰) است، تا مبلغی که در اثر ضبط واقعی مرهونه تعلق می‌گرفت زیرا شق اخیر شامل مبلغ بیشتری می‌شد. بهره‌ساده‌ای به نرخ ۱۲ درصد سال به وام رهنی ۱۴,۰۰۰,۰۰۰ ریالی مورخه ۱۱ مه ۱۹۷۸ (۵۷/۲/۲۱) تعلق می‌گرفت خواهانها اقرار می‌کنند که در تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۷۸ (۵۷/۱۰/۱۰) مبلغ ۱۵,۲۵۹,۰۹۷۰ ریال بدهکار بودند که بعد از کسر اصل پرداخت نشده وام، بهره (و کارمزد) متعلقه بالغ بر ۲۵۹,۰۹۷۰ ریال می‌گردد. با نرخ ۱۲ درصد در سال، تقریباً "مبلغ ۷,۸۴۰,۰۰۰ ریال دیگر بابت بهره از اول ژانویه ۱۹۷۹ تا ۷ سپتامبر ۱۹۸۳ (۵۷/۱۰/۱۱ تا ۶۲/۶/۱۶) یعنی تاریخ انتقال رسمی، اضافه می‌شد که در نتیجه مجموع مبلغ قابل پرداخت در آن تاریخ به ۲۳,۰۹۹,۰۹۷۰ ریال بالغ می‌گردید (۴).

(۳) ضبط ادعائی می‌بایستی قبل از ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۵۹/۱۰/۲۹) اتفاق افتاده باشد، رجوع شود به بند ماده دو، بیانیه حل و فصل دعاوی.  
(۴) این امر بدون در نظر گرفتن ۵ درصد "هزینه‌های اجرائی" مندرج در سند مورخه ۷ سپتامبر ۱۹۸۳ (۶۲/۶/۱۶) می‌باشد که در نتیجه مبلغ ۱۰,۱۵۴,۰۹۸۹,۰۵۵ ریال را بدان می‌افزود.  
ضبط ادعائی از نقطه نظرهای دیگر نیز می‌تواند مورد سؤال قرار گیرد. تبصره ۳ ماده ۳۴ قانون مورد استناد بانک تجارت تصریح می‌کند که اقدام بکه انتشار آگهی اجرائیه فقط در صورتی مجاز است که "محل اقامت متعهد در سند قید نشده باشد یا اینکه بنا بدلائل دیگر تعیین محل اقامت وی غیرممکن باشد...". ولی در آگهی انتشار آدرس Mitchel و Roberts در تهران بدستی قید گردیده است و نشان می‌دهد که در سند مربوط وجود داشته است. لذا اظهار موزوم مختصر در آگهی روزنامه مبنی بر اینکه آدرس فوق "توسط ماء مورابلاغ شناسائی نشد"، غیرمحمتمل بنظر می‌رسد. شق دیگر این است که می‌توان پرسید که چرا این امر مستقیماً "با اطلاع خواهانها نرسید، یا چـــــــــــــــــرا حداقل کوششی در این مورد بعمل نیامد. و کالتنای که بانک تجارت در تأیید اختیارات آقای عطار بدان استناد می‌کند توسط آقای Burrows امضاء شده که در آن وی بعنوان وابسته بیکی از خواهانها معرفی گردیده است. مدارک مستند داخلی بانک ایرانیان روشن می‌سازد که بانک از رابطه Mitchel و Roberts با خواهانها آگاهی داشته است. ضمناً "در ضامم اجرائیه Mitchel و Roberts صریحاً "تحت ریاست آقای Alexander Patrick، تبعه ایالات متحده و دارنده گذرنامه شماره ۰۰۰۲۹۰۵۹۲۲/ توصیف شده‌اند. در این رابطه، شایان توجه است که مقامات

## دوم

ارزش منافع مالکانه خواهانها در ساختمان در تاریخ سلب مالکیت که بنظر من طبق مدارک ابرازی ۲۱ اکتبر ۱۹۷۹ (۵۸/۷/۲۹)، یعنی همان تاریخی است که بانک تجارت، متعاقب معامله "فروش" ملک را بتصرف درآورده، تعیین می شود. از آنجا که تنها مدرک ارزش ساختمان ارزیابی بعمل آمده در می ۱۹۷۸ (اردیبهشت ۱۳۵۷)، بمبلغ ۴۸ میلیون ریال می باشد، من آنرا بعنوان ارزش ساختمان در تاریخ سلب مالکیت می پذیرم. هیچ گونه مدرکی حاکی از آنکه بعد از ارزیابی فوق قیمت ساختمان ترقی یا تنزل نموده، ارائه نگردیده است (۵).

برای تعیین ارزش قابل جبران باید هرگونه تعهدات معوقه را از ارزش ناخالص ساختمان کم کرد تعهد اصلی، مبلغ ۱۴ میلیون ریال رهن، صادره در تاریخ ۱۱ مه ۱۹۷۸ (۵۷/۲/۲۱)، و با نرخ بهره ۱۲ درصد در سال می باشد که همراه با اصل وام هر سه ماه یک بار قابل پرداخت است. بانک تجارت اطلاعی درباره مبلغ اصل و فرع بدهی بدست نداده، ولی خواهانها اظهار می دارند که در دسامبر ۱۹۷۸ (دی ماه ۵۷) مبلغ ۱۵,۲۵۹,۹۷۰ ریال بدهکار بوده اند و بانک تجارت باین رقم اعتراض نکرده است. (۶) ظاهراً "هیچ مبلغی بابت اصل رهن هرگز پرداخت نشده است. لذا مبلغ ۱,۳۵۳,۳۳۲ ریال دیگر بابت بهره از اول ژانویه ۱۹۷۹ تا ۲۱ اکتبر ۱۹۷۹ (۵۷/۱۰/۱۱ تا ۵۸/۷/۲۹) یعنی تاریخ سلب مالکیت باید پرداخت گردد. (۷) علاوه بر اصل و بهره رهن، که طبق اظهار خواهانها بر ذمه آنها می باشد، بانک تجارت مدعی است که هزینه های مختلف حقوقی و اجرائی و مالیات متحمل شده است. بانک تجارت در بادی امر مدعی است که مبلغ ۱,۰۰۰,۰۰۰ ریال مالیات در مقابل اعتبارنامه صادره توسط بانک ایرانیان پرداخت کرده است. هرچند

## \* \* \* دنیا له زیر نویس از صفحه قبل \* \* \*

ایرانی غالباً در آمریکا از طریق سفارت الجزایر در واشنگتن دی سی ابلاغیه های قانونی تسلیم کرده اند. همچنین این سؤال مطرح می شود که آیا بانک تجارت بجای آنکه ساختمان خواهانها را از طریق حراج عمومی بفروش برساند تحت هیچ شرایطی حق داشته آنها را مستقیماً "تحت مالکیت خود درآورد. شرایط مندرجه در سند رهن خود بخود حداقل این استنباط را تایید می کند که بانک تجارت راه اول را انتخاب نموده و بدین گونه کلیه حقوق قانونی را که در غیر آن صورت ممکن بود داشته باشد اسقاط نموده است.

(۵) خواهانها در لایحه جوابیه و معارض خود که در تاریخ ۲۱ ژانویه ۱۹۸۵ (۶۳/۱۱/۱) به ثبت رسیده، برای اولین بار اظهار می کنند که ارزش ساختمان مبلغ ۱,۸۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال می باشد که گفته می شود معادل ۱,۸۷۲,۶۰۲ دلار است. ولی هیچگونه مدرک مستدلی در تایید این ادعا تسلیم نشده و بهترین نظری که می توان در باره آن اظهار کرد این است که ارتباط آن با قیمت گذاری که چهار سال قبل از آن انجام گرفته است مستضعیف می باشد بهر حال خواهانها این موضوع را تعقیب ننموده و لایحه بعد از استماع آنها که در تاریخ ۱۴ مارس ۱۹۸۵ (۶۳/۱۲/۲۳) به ثبت رسید حاوی مطلبی در این زمینه نمی باشد.

(۶) خواهانها اظهار می دارند که، با احتساب ۷۰/۳۵ ریال در مقابل هر دلار مبلغ ۲۱۶,۹۱۵ دلار از مبلغ رهن بدهکار می باشد.

(۷) از لحاظ سهولت، برای مدت ۹ ماه از قرار نرخ بهره ساده ۱۲% و بر اساس اصل مبلغ ۱۴,۰۰۰,۰۰۰ ریال محاسبه گردیده است.

رونوشت ضمانتنامه تسلیم گردیده، ولی نه دلیلی جهت اثبات پرداخت با بست  
ضمانتنامه و نه دلیل تعهدات مالیاتی اقامه نگردیده است. بانک تجارت  
همچنین ادعا می‌کند که در ارتباط با انتقال مالکیت متحمل " مخارج حقوقی و  
اجرائی " شده است. این مخارج ادعائی در مدارک منعکس نیست. بهرحال،  
از آنجا که انتقال مالکیت خلاف قانون بوده، این مبالغ را حقاً " نمی‌توان به  
حساب خواهانها گذاشت لذا این اقلام را نمی‌توان جزء بدهی خواهانها از بابست  
ساختمان منظور نمود.

با توجه به مدارک فوق الذکر، بنظر من ارزش خالص ساختمان در تاریخ  
۲۱ اکتبر ۱۹۷۹ ( ۵۸/۷/۲۹ ) یعنی تاریخ سلب مالکیت، مبلغ ۳۱،۳۸۶،۶۹۸ ریال  
می‌باشد که بطریق زیر محاسبه گردیده است.

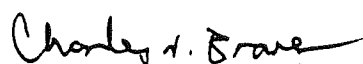
ارزش ناخالص ساختمان	ریال ۴۸،۰۰۰،۰۰۰
اصل وام رهنی	ریال ۱۴،۰۰۰،۰۰۰
بهره رهن تا پایان دسامبر ۱۹۷۸ (۱۰ دی ماه ۵۷)	ریال ۱،۲۵۹،۹۷۰
بهره رهن از ژانویه ۱۹۷۹ تا ۱۲ و ۱۹۸۰ (دی ماه ۵۷ تا ۵۹/۶/۵)	ریال ۱،۳۵۳،۳۳۲
ارزش خالص ساختمان	ریال ۳۱،۳۸۶،۶۹۸

به عقیده من بانک تجارت متعهد به پرداخت مبلغ فوق به خواهانها می‌باشد،  
که بعد از تبدیل به دلار بنرخ بازار از قرار ۷۰،۴۲۵ ریال در مقابل هر دلار که در  
پایان اکتبر ۱۹۷۹ ( ۵۸/۸/۹ ) متداول بود ( رجوع شود به :

International Financial Statistics,

Supplement on Exchange Rates ( I M F ). معادل

۴۴۵،۳۵۹ دلار می‌باشد.

  
چارلز ان براوئر